

به یاد نمایشنامه نویسان مطرح شهر و کشورم
زنده یاد حسن حامد و زنده یاد علی اصغر مذهب یوسفی

با بغض و حسرت و آه
اما با عشق
تقدیم به تازه سفر کرده اول پاییز
ساسان خداپناهی عزیز
روحش شاد و نامش مانا

www.ketab.ir

وسط پاییز

مجموعه نمایشنامه

سید جواد اشکذری

سرشناسه: اشکذری، سیدجواد، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه نمایشنامه / سیدجواد اشکذری؛ ویراستار علی میرنژاد.

مشخصات نشر: مشهد: آزاد توس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص؛ ۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹۵۹۷۱۲-۳-۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴

موضوع: نمایش - ایران - مشهد - تهیه کنندگان و کارگردانان

موضوع: Persian drama -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۷۹۵۳

رده بندی دیویی: ۸۸۲/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۲۲۳۸۷

تاریخ درخواست: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

کدبگیری: ۷۳۲۱۵۶۵

www.ketab.ir

مجموعه نمایشنامه

وسط پاییز

نویسنده: سیدجواد اشکذری

ویراستار: علیرضا میرنژاد

طراح جلد: رعنا پرتوی

صفحه آرا: حامد خاکپور

عکس: محسن سلیمی و محمدجواد عبدی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۹

ناشر: انتشارات آزاد توس

قیمت: ۳۰ هزار تومان

با تشکر از: علی شیبانی و علیرضا اسدی

هر گونه استفاده از نمایشنامه های این کتاب منوط به کسب اجازه از نویسنده است.

فهرست

۴	 مقدمه / روایت سه گانه مرگ
۸	 پیشگفتار / آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

نمایشنامه‌ها

۱۳	 شرم و دغدغه
۴۹	 وسط پاییز
۷۷	 من یک مادرم، ابراهیم

روایت سه گانه مرگ

دکتر قطب الدین صادقی *

کتابی که پیش رو دارید، مجموعه‌ی سه اثر از سید جواد اشکذری، نمایشنامه‌نویس پرکار مشهوری، است که اتفاقاً دستی هم در کارگردانی دارد. او فعالیت‌هایش را به‌طور جدی از دهه هفتاد آغاز کرده است و سال‌هاست در عرصه‌ی فرهنگ و هنر مشهد همچنان پویا و پرنشاط، قلم و صحنه را رها نکرده است. آثاری که اشکذری از همان آغاز فعالیت‌های هنری نوشته یا به صحنه برده است، مانند «بارون و باروت» و «هیس؛ اینجا چند مانکن خوابیده‌اند»، به‌رغم نگاه اجتماعی و تحلیلی‌گرانه‌اش، رنگ و بویی نسبتاً سورئالیست و البته با بار شاعرانه دارد که به مرور زمان، شیوه‌اش دگرگونی می‌پذیرد و سبک واقع‌گرایی اجتماعی پیدا می‌کند، که بیانگر شناخت بیشتر او از مسائل جامعه و حساسیت‌های تازه‌اش در واکنش به رویدادهای زمانه است؛ آن هم با نگاهی تحلیلی‌گرانه که ناهنجاری‌های زندگی شهری نوین، و روابط سنتی گذشته را یک جا به نقد می‌کشد. در این مسیر او البته از باب سفارش، تکلیف یا کسب تجربه، آثاری مذهبی یا در ارتباط با جنگ و نتایج آن نیز نگاشته است که در جای خود دارای اهمیت است و بررسی و تحلیل جداگانه‌ای می‌طلبد. «وسط پاییز» هر درانده سه نمایشنامه «شرم و دغدغه»، «وسط پاییز» و «من یک مادرم، ابراهیم» است که به‌رغم تفاوت‌های آشکار در سبک و درونمایه، هر سه اتفاقاً موضوع واحدی دارند و به سه شکل و شیوه از «مرگ» سخن می‌گویند. آشنایان با تاریخ نمایش در جهان، خوب می‌دانند از یونان باستان به این سو تا سده معاصر، مفهوم مرگ همچون مفاهیم تقدیر، خدا، عدالت و آزادی، همواره یکی از موضوع‌های پیچیده فلسفی و از جانیامیه‌های همیشگی متأثر بوده است و در جای خود نیز الهام‌بخش بسیاری از درام‌نویسان نام‌آور. در این سه نمایشنامه اما دغدغه اصلی نویسنده نه فلسفه، بلکه جامعه است و می‌خواهد مرگ را در سه روایت و در چارچوب حوادث ملموس اجتماعی بررسی کند، و نه در دایره دل‌مشغولی‌های ازلی بشر درباره هستی و نیستی.

نمایشنامه اول گزارشی موجز و تکان‌دهنده از هولناک‌ترین جنایت خانوادگی مشهد در سالیان اخیر است که به‌رغم ظاهر مستندگونه‌اش، بر آن است تا با یک جراحی بی‌رحمانه اجتماعی، و یک واکاوی عمیق روانی در حفره‌های سیاه وجدان‌های خفته و نیمه‌خفته جوانان جاه‌طلب امروز ما را نشان دهد؛ و البته نویسنده با شناخت بی‌واسطه‌ای که از شهر و نسل خود دارد، در پرداخت آن هم پُر بیراه نرفته است.

اینکه تا چه اندازه این نمایش‌نامه به واقعیت وفادار است، یا نویسنده چرا یک رویداد معمول روزنامه‌ای را می‌خواهد به صحنه بکشد، مورد بحث نیست، مهم گره‌زدن ماهرانه‌ی رویداد و روان‌شناسی آدم‌ها با بعد اقتصادی و جبر اجتماعی، در بافتی دراماتیک است؛ و تأکید بر این نکته اساسی که انگیزه جنایت پیش از آنکه ناشی از جنون یا ناهنجاری روانی فردی بیمار باشد، بیشتر برآمده از شرایط حاد اقتصادی و فشار واقعیت‌های اجتماعی تازه‌ای است که در دوره‌ی «پساانقلاب» با کم-رنگ‌شدن آرمان‌گرایی سیاسی، به تلخی و سختی گریبان‌گیر نسلی گم‌گشته و فزون‌خواه شده است، که برای به‌دست‌آوردن امکانات و پیشرفت و مال و رفاه، (منطبق بر الگوها و ارزش‌های «جامعه مصرفی») مسابقه غم‌انگیزی را آغاز کرده است که برای سربلند بیرون آمدن از آن، حاضر است نزدیک‌ترین کسان خود را «انکار» که هیچ، حتی از دم تیغ بگذرانند! در این نمایش‌نامه عنصر پیش‌برنده‌ی درام، در ابتدا هیجان پلیسی «کشف حقیقت» است و پس از آن ترس و تردید همگان برای «قصاص» یا «بخشش» عنصر جانی؛ که البته در هر دو پاره به شکلی ملموس و به‌هم‌پیوسته، انگیزه اعمال و انتخاب شخصیت‌ها نیز مشخص و روشن است. خوشبختانه نویسنده همه‌ی تمرکز خود را بر روان‌های آشفته و حفره‌های هولناک درونی - که به مرور عمیق‌تر و ترسناک‌تر می‌شوند - گذاشته است و هیچ تأکید آشکار یا دخالت علنی برای به رخ کشیدن بحران اقتصادی، فرهنگ غلط جامعه مصرفی و فضای ناسالم تربیت خانوادگی ندارد؛ اما با دقت و باریک‌بینی همه را با هم، در پیوند با هم، و در ارتباط هم‌زمان با گذشته‌ی برادبار و نیز چشم‌انداز نامعلوم آینده نشان می‌دهد، تا «بخششی» را که در پایان رخ می‌دهد، طبیعی به نظر آید و وجه انسانی و شریف آن ما را غافل‌گیر و تا حدی امیدوار کند. نمایش‌نامه «شرم و دغدغه» به لطف انسجام صحنه‌ها، اعمال روشن و انگیزه‌ی روانی و محکم شخصیت‌ها، دارای کنش و کششی جذاب و دیدنی است و در جای خود موجب خلق ضرباهنگی شده است محکم، فشرده و عصبی که با گفت‌وگوهای بریده‌بریده، کوتاه و نسبتاً ناتمام، اندیشه و اضطراب شخصیت‌ها را یک‌جا نشان می‌دهد؛ و در نهایت وحدتی در شکل و محتوا را پدید آورده است که می‌تواند نمونه‌ای وزین برای توفیق درام‌نویسان جدی و خوش فکر دور از هیاهوی پایتخت باشد.

اگر در نمایش‌نامه اول، زبان چالاک و معاصر اشکذری، بدون هرگونه بار اضافی، محملی می‌شود برای بیان لایه‌های روان آشفته و درون نامتعادل شخصیت‌های شهری، در نمایش‌نامه دوم، نویسنده کاملاً از این جو فاصله می‌گیرد تا به یاری زبانی نسبتاً به «سطح» آمده و شیوه‌ای کمابیش «توضیحی»، بر سنت‌های عشیره‌ای کهن مانند «خون‌بس» در جامعه‌ی سنتی و بسته‌ی ما بتازد.